

اسقاط جنین از دیدگاه فقهای عامه و امامیه^۱

عبدالجبار زرگوش نسب^۲

طاهر علی محمدی^۳

چکیده

مسئله سقط جنین امروزه بیش از پیش، توجه عموم مردم را به خود جلب کرده است. بخصوص در مواردی که ادامه بارداری برای زن مشقت داشته باشد، یا حرجی در میان باشد، یا حفظ آبرو و حیثیت زن و خانواده او در سقط جنین و رهایی از عواقب آن باشد. لذا به دست آوردن حکم سقط جنین دارای اهمیت ویژه‌ای است. این مقاله احکام شرعی سقط جنین و آثار مترتب بر آن را با توجه به انگیزه‌های مختلف سقط، از دیدگاه علمای شیعه و سنی مورد بررسی قرار می‌دهد که از آن جمله است: اسقاط جنین به انگیزه نجات دادن مادر در صورتی که ادامه حاملگی، حیات مادر یا حیات جنین و مادر را تهدید کند. بعضی از فقها گفته‌اند اگر قائل به جواز سقط جنین شویم، باید علل و اسباب ضروری بودن اسقاط جنین به طور قطع ثابت شود و نتایج مترتب بر آن یقینی و ملاک و مصلحتی که از آن استفاده می‌شود، اقوی از ملاک و مصلحت ممنوع بودن سقط باشد. شقوق مختلف سقط جنین و دلایل آن از دیدگاه شیعه و سنی، موضوع بررسی مقاله حاضر است.

واژگان کلیدی

جنین، روح، تجاوز، حرج، سقط، امامیه، عامه

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۱۰؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵

۲- دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، عضو هیأت علمی و مدیر گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

۳- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی و عضو هیأت علمی دانشگاه ایلام

مقدمه

فقه‌های شیعه و اهل سنت پیرامون حکم سقط جنین قبل از دمیدن روح در آن و نیز بعد از آن، نظرات گوناگونی دارند. بعضی از فقه‌های مذاهب اهل تسنن اجماع نموده‌اند بر این‌که سقط جنین به حساب نمی‌آید مگر بعد از سپری شدن ۱۲۰ روز از انعقاد نطفه، آن‌ها حلول روح در جنین را منوط به سپری شدن این مدت کرده‌اند. حنبلی‌ها صدق جنایت بر اسقاط جنین را مشروط به کامل شدن جنین به شکل آدمی دانسته‌اند. فقه‌های امامیه قائل به عدم جواز اسقاط جنین بعد از انعقاد نطفه شده‌اند، مگر این‌که بقای جنین برای مادر موجب زحمت طاقت‌فرسا و حرج شدید باشد.

پرسش اساسی که نگارنده در پی پاسخگویی بدان است، عبارت است از این‌که: در چه مواردی زن باردار حق اسقاط جنین را دارد؟ دیدگاه فقه‌های شیعه و اهل سنت در این زمینه چگونه است؟ نگارنده برای پاسخگویی به سؤالات فوق نظرات فقه‌های فریقین و مستنداتشان را در موقعیت‌های مختلف مورد کنکاش قرار می‌دهد. این موقعیت‌ها عبارتند از: ۱- سقط جنین هنگام تهدید جان زن باردار، ۲- تهدید جان مادر و جنین هر دو، ۳- جنین نامشروع، ۴- تجاوز به اکراه، ۵- ناقص‌الخلقه بودن جنین، ۶- وجود عسر و جرج.

مبحث اول - اسقاط جنین هنگام تهدید جان زن باردار

۱- نظرات و مستندات فقه‌های شیعه

سقط جنین در صورت ضرورت و عذر موجه مانند زمانی که ادامه بارداری برای زن طاقت‌فرسا و مشقت‌آور باشد، یا جان او در معرض خطر قرار گیرد، مجاز است. از فقه‌های معاصر شیعه که به طور صریح در این زمینه فتوی داده‌اند، حضرت آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی و مرحوم فاضل لنکرانی هستند که سقط را قبل از دمیدن روح جایز دانسته‌اند. آرای این بزرگواران چنین است: «سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آن‌که استمرار

حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح، اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد؛ مگر آنکه استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد، ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۱۵، ص ۲۸۰). «اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد» (ممو، ص ۲۷۹).

از آیت الله سیستانی هم در این باره سؤال کرده‌اند: آیا مادری که فرزند نمی‌خواهد می‌تواند جنین خود را قبل از حلول روح بیندازد در حالی که ماندن جنین، خطر جدی برای مادر ندارد؟ ایشان جواب داده‌اند: «او چنان حقی را ندارد مگر آنکه بقای جنین برای مادر موجب زحمت فوق‌العاده و طاقت‌فرسا باشد» (حکیم، ۱۳۷۹، ص ۲۸۴)، مرحوم آیت الله لنکرانی هم فرموده‌اند: «در صورتی که زنده ماندن مادر متوقف به سقط کردن جنین باشد، سقط جایز است و باید دیه آن پرداخت شود. استفاده از قرص‌های جلوگیری بعد از آمیزش در صورتی جایز است که زن یقین به حامله بودن خود نداشته باشد، مگر این‌که ضرر مهمی برای زن داشته باشد»^۱. آیت الله مکارم شیرازی در صورتی که خطری متوجه مادر باشد، سقط جنین را در مراحل اولیه جایز می‌دانند. ایشان در پاسخ به این سؤال که سقط جنین یک ماهه با رضایت شوهر و با استفاده از آمپول چه حکمی دارد؟ فرموده‌اند: جایز نیست مگر آن که خطر مهمی متوجه زن باشد. و در جواب به این سؤال که آیا سقط جنین را جایز می‌دانند؟ گفته‌اند: تنها در صورتی که یقین به خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر باشد در مراحل اولیه جایز است^۲. مرحوم آیت الله گلپایگانی نیز فرموده‌اند: «در صورتی که مادر ناچار از معالجه است و

۱- استفتاءات www.Lankarani.net

۲- استفتاءات www.makaremshirazi.org

معالجه مستلزم اسقاط جنین است، قبل از ولوج روح، سقط جایز است» (گلیپگانی، بی‌تا، ص ۱۷۳، س ۲۳۸)، مرحوم آیت الله اراکی در پاسخ به سؤالی در مورد سقط جنین فرموده‌اند: «...اگر قبل از ولوج روح باشد و اطمینان از گفته دکتر حاصل شود به این‌که در صورت بقای حمل، مادر می‌میرد، جایز است» (اراکی، ۱۳۷۳، ص ۲۵۰، س ۹)، از امام خمینی، قدس سره، سؤال شده: زنی حامله شده و یک ماه ونیم از بارداری او می‌گذرد، پزشکان می‌گویند حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و موجب فلج شدن وی خواهد گشت، آیا سقط جنین برای چنین مادری جایز است یا خیر؟ امام در جواب می‌فرماید: «اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد، قبل از دمیده شدن روح در جنین، اسقاط جایز است» (وحیدی، ۱۳۷۳، ص ۹۷).

هر چند این بزرگواران فتاوی خود را در این زمینه مستند نکرده‌اند، ولی می‌توان به ادله ذیل بر حکم مزبور تمسک جست: قاعده دفع افسد به فاسد، تقدیم اهم بر مهم، و ارتکاب اخف ضررین (سبک‌ترین ضرر از دو ضرر) و نیز طبق قاعده عسرو حرج، زن باردار حق اسقاط جنین را دارد، هنگامی که امر بین سقط جنین و جان مادر دایر باشد، و یا این‌که ادامه بارداری برای زن طاقت‌فرسا باشد. اگر تنها راه نجات جان مادر به طور حتمی و یقینی متوقف بر سقط جنین باشد، تعارض میان حفظ جان انسانی که دارای حیات است، و بین نطفه‌ای که آفرینش آن آغاز شده و روح در آن دمیده نشده است، در این صورت (قبل از دمیدن روح) قواعد و اصول شریعت ما را به حفظ جان انسانی که دارای حیات است ملزم می‌کند؛ زیرا سقط جنین اخف ضررین است (سبک‌ترین ضرر و زیان از دو ضرر) و از باب دفع افسد به فاسد است. اما اگر بعد از نفع روح باشد، و مرگ مادر در اثر ادامه حاملگی به نظر متخصصان عادل قطعی و حتمی باشد، تعارض میان دو مفسده (مفسده مردن مادر و مفسده مردن جنین) یا بین مصلحت حفظ جان مادر و مصلحت حفظ جان جنین، باید قاعده دفع افسد به فاسد و تقدیم اهم بر مهم مدنظر قرار داد، به نظر می‌رسد مصلحتی که در حفظ جان مادر است مهم‌تر از مصلحت حفظ جان جنین باشد، و مفساد مترتب بر از دست دادن مادر بیشتر از

مفاسد مترتب بر سقط جنین است، علاوه بر این که مادر اصل و جنین فرع است. در بحث قصاص، فقها اتفاق نظر دارند بر این که اگر پدر فرزند خود را بکشد، قصاص نمی شود و می گویند: اصل به خاطر فرع کشته نمی شود، در هر حال گرچه این یک نوع قیاس است، ولی می تواند مؤید باشد.

۲- نظرات و مستندات فقها و علمای اهل سنت

فقها و علمای اهل تسنن در این زمینه نظرات و آرای مختلفی دارند، در گزارش کنفرانس رباط (مراکش) که توسط علمای اهل تسنن تحت عنوان اسلام و تنظیم خانواده (الاسلام و تنظیم الاسرة) در سال ۱۹۷۱م برگزار شده، آمده است: «آرای فقها بررسی شد و معلوم گشت که سقط جنین بعد از ماه چهارم حرام است، مگر به خاطر ضرورت مؤکدی جهت حفظ جان مادر، اما قبل از چهارماهگی با وجود آرای فقهی متعدد، نظر صحیح منع سقط جنین در تمام مراحل است، مگر آن که برای حفظ حیات مادر، سقط جنین بسیار ضروری باشد یا از زنده ماندن جنین ناامید شوند» (مجله الشریعه، ۱۹۷۴م، ش ۵۴، ص ۱۵۷). ابن عابدین از علمای حنفی مذهب سقط جنین را جایز نمی داند، گرچه در صورت ادامه بارداری ترس بر جان مادر باشد. به نظر ایشان مرگ مادر در صورت ادامه بارداری حتمی نیست بلکه یک امر وهمی است: «اگر جنین زنده باشد، کشتن او جایز نیست؛ زیرا مرگ مادر - به خاطر ادامه بارداری - حتمی نیست، پس جایز نیست قتل انسان زنده به خاطر یک امر وهمی» (ابن عابدین، ۱۲۸۶هـ، ج ۲، ص ۲۳۸).

این سخن در عصر کنونی درست نیست؛ زیرا امروزه علم پزشکی می تواند از مرگ قطعی و حتمی اطلاع دهد و کشف کند که جنین برای مادر باردار ضرر دارد یا خیر. بعضی از معاصران اهل تسنن، سقط جنین قبل از دمیدن روح را به خاطر ضرورت و عذر معتبر جایز دانسته اند. از جمله اینها یوسف قرضاوی است (قرضاوی، ۱۴۱۵هـ، ج ۲، ص ۵۴۷). و بعضی از اهل تسنن هم فتوی به جواز سقط جنین داده اند، حتی اگر بعد از ۱۲۰ روز یعنی بعد از دمیدن روح باشد. از جمله محمود

شلتوت رئیس سابق جامع الازهر گفته است: «اگر از راه مطمئن ثابت شود که باقی ماندن جنین بعد از آن که حیات او تحقق یافت، یعنی بعد از ۱۲۰ روز حتماً به مرگ مادر منجر می‌شود، دین اسلام بر اساس قواعد عمومی و اصولش به مرتکب شدن أخف ضررین (سبک‌ترین ضرر از دو ضرر) دستور می‌دهد. اگر در باقی ماندن جنین، مرگ مادر نهفته است و جز اسقاط جنین راهی برای نجات مادر نیست، در حالی که مادر دارای بهره‌ای از حیات باشد، دارای حقوق و وظایفی است، علاوه بر این، مادر ستون خانواده است، لذا معقول نیست که مادر به خاطر جنین قربانی شود» (شلتوت، ۱۹۶۲م، ص ۴۶۴).

مبحث دوم - اسقاط جنین هنگام تهدید جان مادر و جنین

۱- نظرات و مستندات فقهای شیعه

از فقهای شیعه، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای سقط جنین قبل از دمیدن روح و بعد از دمیدن روح را جایز می‌داند در صورتی که نجات زندگی طفل ممکن نباشد، و امر دایر باشد بین مرگ طفل به تنهایی و بین مرگ طفل و مادر او. نظرات ایشان در این مورد به شرح زیر ارائه می‌گردد.

از مقام معظم رهبری استفتا شده که: «اگر جنین در رحم، مشرف به موت حتمی باشد، و باقی ماندن آن در رحم به همان حال برای زندگی مادر (زن باردار) خطرناک باشد، آیا سقط آن جایز است، و اگر شوهر آن زن مقلد کسی باشد که سقط جنین در حالت مذکور را جایز نمی‌داند، ولی زن و اقوام او از کسی تقلید کنند که سقط را جایز می‌داند، تکلیف مرد در این حالت چیست؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «چون در فرض سؤال، امر دایر است بین مرگ حتمی طفل به تنهایی و بین مرگ حتمی طفل و مادر او، بنابراین چاره‌ای جز این نیست که لااقل زندگی مادر با سقط جنین نجات داده شود، و در فرض سؤال، شوهر حق ندارد همسرش را از این کار منع کند، ولی واجب است تا حد امکان به گونه‌ای عمل شود که قتل طفل مستند به کسی نشود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱). یکی از موارد جایز بودن سقط

جنین به نظر مرحوم لنکرانی موردی است که بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین بشود. ایشان می‌فرماید: «از جمله مواردی که سقط جنین جایز است موردی است که بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین - هر دو - بشود»^۱. چنان که پیشتر گفته شد، می‌توان فتاوی این دسته از فقها را مستند کرد به حکم عقل به مرتکب شدن اخف ضررین؛ زیرا ضرر از دست دادن جنین کمتر است از ضرر از دست دادن مادر (زن باردار)، و معقول نیست مادر را قربانی جنین کردن. مادر اصل است نمی‌شود وی را قربانی جنین کرد که فرع است.

۲- نظرات علمای اهل سنت

به نظر بعضی از علمای اهل تسنن اگر سقط جنین تنها راه نجات مادر از مرگ حتمی است که منجر به مرگ مادر و جنین شود، سقط به طور مطلق جایز است خواه بعد از نفخ روح باشد یا قبل از نفخ روح (موسوعه الفقهیه الكويتیه، ۱۹۸۶م/ ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۵۷).

مبحث سوم - اسقاط جنین نامشروع

۱- نظرات و مستندات فقهای شیعه

فقهای شیعه درباره سقط جنین نامشروع خواه در اثر تجاوز به اکراه و عنف باشد یا در اثر زنا با رضایت تفاوتی قائل نشده‌اند، و سقط جنین را جایز ندانسته‌اند، مگر این‌که بارداری نامشروع دختر حرجی باشد و به آبروی خانوادگی او لطمه وارد کند که در این صورت آیت الله سیستانی سقط را در صورتی که قبل از دمیدن روح باشد، جایز دانسته است. وقتی که از ایشان سؤال کرده‌اند: بارداری نامشروع دختر برای او بسیار سخت است و احیاناً به آبروی خانوادگی او لطمه وارد می‌کند؛ آیا او می‌تواند جنین را ساقط کند؟ جواب: اگر بارداری به اندازه‌ای زحمت داشته باشد که طاقت‌فرسا باشد و راه نجاتی جز سقط جنین،

وجود نداشته باشد، قبل از حلول روح در جنین، چنان عملی جایز است (حکیم، ۱۳۷۹، ص ۳۱۱). اما در غیر آن صورت (یعنی غیرحرجی بودن آن) به نظر آیت الله سیستانی مطلقاً سقط جنین به علت نامشروع بودن آن جایز نیست. ایشان فرموده‌اند: سقط کردن بچه جایز نیست، هر چند از زنا باشد (سیستانی، ۱۴۲۰هـ، ص ۲۵۰).

مقام معظم رهبری هم سقط جنین نامشروع را جایز نمی‌دانند: سقط جنین حرام است هر چند بر اثر زنا باشد و درخواست پدر باعث جواز آن نمی‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰). ایشان همچنین در جواب این مسأله که آیا سقط جنینی که نطفه‌اش با وطیء به شبهه توسط فرد مسلمان و یا زنا منعقد شده، جایز است؟ فرموده‌اند: جایز نیست (همو، ص ۲۸۱).

مرحوم فاضل لنکرانی فرموده‌اند: سقط جنین حرام است، پس بر زن حامله جایز نیست چیزی بخورد یا کاری انجام دهد که موجب سقط جنین او بشود، حتی اگر زنی از زنا باردار شود، جایز نیست بچه‌اش را سقط کند (همان‌جا). و نیز فرموده‌اند: زن اگر جنین خود را که از زنا باردار شده سقط کند مرتکب گناه کبیره شده است و اموری را باید انجام دهد، از جمله:

- باید فوراً توبه کند.

- دیه جنین سقط شده را بپردازد.

- اگر جنین به چهارماهگی رسیده باشد، کفاره جمع نیز بر عهده او می‌آید (همان‌جا). می‌توان فتاوی فقها در زمینه حرمت سقط جنین نامشروع را به ادله ذیل مستند کرد:

الف - آیه ۱۵ سوره اسراء می‌فرماید: «هیچ کس گناه دیگری را به دوش نگیرد» پس هر کس سؤال گناه خویش است؛ لذا جایز نیست حیات بی‌گناهی را قربانی شخص گناهکار دیگری کرد.

ب - روایاتی وجود دارد که از سقط جنین نهی کرده است و برای هر مرحله از مراحل شکل‌گیری و خلقت، دیه قرار داده است. از روایات مزبور فهمیده می‌شود

که سقط جنین در مراحل مختلف بدون عذر و ضرورت جایز نمی‌باشد، به خصوص بعد از دمیدن روح. مثلاً از امام باقر علیه السلام در خصوص زنی پرسیده‌اند که دارویی نوشیده، در حالی که باردار بوده و شوهرش از این موضوع آگاهی نداشته است و بچه در اثر آن سقط شده است. امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال، از امام علی علیه السلام نقل کرد که فرمود: اگر حمل به مرحله استخوان‌بندی رسیده و گوشت بر آن روییده باشد، بر زن دیه‌ای است که باید آن را به پدر جنین بپردازد، و اگر زمانی که آن را سقط کرد، علقه یا مضغه بوده باشد، باید چهل دینار و یا غره (عبد یا امه مرغوبی که قیمتش یک دهم دیه کامل است) به پدرش بپردازد. راوی می‌گوید: عرض کردم آیا این زن از دیه فرزندش ارث نمی‌برد؟ امام فرمود: خیر؛ زیرا وی او را کشته است؛ به همین دلیل از او ارث نمی‌برد (حرعاملی، ۱۴۰۱ هـ.ج، ۱۷، ص ۳۹۰). اسحاق بن عمار می‌گوید از امام رضا علیه السلام سؤال شد که زنی از باردار شدن می‌ترسد و دارو می‌نوشد و آنچه را که در شکم دارد می‌اندازد. امام فرمود: این کار را نباید بکند، سؤال‌کننده گفت: نطفه‌ای بیش نیست. امام فرمود: نخستین چیزی که آفریده می‌شود، نطفه است.

از دو روایت مزبور استفاده می‌شود که مصرف کردن دارو برای سقط جنین جایز نیست (همو، ج ۱۹، ص ۱۵). روایات بسیاری از طرق شیعه بر عدم جواز اسقاط جنین بدون عذر موجه وارد شده است، در این روایات که مربوط به دیه است، برای هر مرحله از مراحل سقط جنین دیه تعیین شده است.

کیفر و مجازات سقط جنین در اسلام از بدو بارداری بر اساس مراحل گوناگون آن در نظر گرفته شده است، جز در موارد حرجی و استثنایی. این مجازات‌ها که در راستای محافظت بر حیات جنین می‌باشند، عبارتند از: قصاص، دیه و کفاره. مجازات‌های مزبور دلیل حرام بودن سقط جنین در مراحل گوناگون شکل‌گیری آن است. یعنی حفظ حیات جنین واجب است. روایات مربوط به مجازات سقط جنین به حد استفاضه رسیده‌اند، و فقها جز در موارد ضرورت، عسرو حرجی بودن بارداری، بر اساس آن‌ها فتوی داده‌اند.

در فروع کافی شانزده روایت در این زمینه ذکر شده (کلینی رازی، ۱۳۶۲، ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۷)، در تهذیب الاحکام بیست و چهار حدیث بیان شده (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۲۸۱-۲۸۸)، و در وسائل شیعیه هم حدود بیست روایت آمده است (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۴۰...).

۲- نظرات و مستندات علمای اهل سنت

بعضی از علمای اهل تسنن در عدم جواز سقط جنین نامشروع به ادله زیر استدلال نموده‌اند:

الف - پیامبر ﷺ اجرای حد زن زناکاری به نام غامدیه را تا وضع حمل او به تأخیر انداخت و مهلت داد تا بچه‌اش را شیر دهد. این دلالت دارد بر این‌که سقط جنین به قصد پنهان کردن عمل زنا و فحشا جایز نیست (شومان، ۱۴۱۹، ص ۵۴).

ب - آیه «هیچ کس گناه دیگری را به دوش نگیرد» (اسراء، ۱۵)، ثابت می‌کند که حیات بی‌گناهی را قربانی شخص گناهکار نباید کرد (بوطی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۸).

ج - جایز بودن سقط جنین در چهل روز و در مراحل اولیه شکل‌گیری جنین، به علت عذر موجه و ضرورت در صورتی است که جنین از نطفه مشروع تشکیل یافته باشد (همان‌جا).

د - جایز بودن سقط جنین نامشروع تناقض صریح دارد با مجازاتی که شارع مقدس برای فرد زناکار منظور داشته است که رسوایی او در میان مردم باعث می‌شود از تکرار زناکاری امتناع ورزد (همان‌جا). از جمله روایات اهل سنت که برای سقط جنین، دیه قرار داده است، روایت ذیل است که ابوهریره نقل می‌کند: یکی از زنان قبیله هذیل به دیگری سنگی زد و دیگری در اثر آن سقط جنین کرد؛ پیامبر ﷺ حکم کرد که غره پرداخت کند (عسقلانی، ۱۹۷۹، ج ۱۲، ص ۲۴۷). در حدیثی دیگر که راوی آن جابر بن عبدالله است آمده، رسول خدا ﷺ غره‌ای بر عاقله ضارب قرار داد (سجستانی، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۵۴۲).

در مقابل این گروه از علمای اهل تسنن، بعضی از شافعیه جایز بودن سقط

جنین نامشروع را مشروط نموده‌اند به توبه کردن زن زناکار و متوجه شدن ضرر و زیان فاحش بر عدم سقط (رملی، ۱۳۸۶ هـ ج ۸، ص ۴۶۱).

مبحث چهارم - اسقاط جنین در صورت تجاوز به اکراه

حکم سقط جنین نزد فقهای شیعه و اهل تسنن در راستای مخفی کردن عمل زنا تفاوتی ندارد که زنا با رضایت زن باشد، یا با اکراه و عنف؛ ولی بعضی از فقهای معاصر اهل تسنن سقط جنین را در صورتی که با اکراه و زور به زن تجاوز شده باشد، جایز دانسته‌اند یوسف قرضاوی، جادالحق علی جادالحق رئیس سابق الازهر و دکتر محمد سعید طنطاوی رئیس جامع الازهر از جمله کسانی هستند که به نظر اخیر قائلند (عمر غانم، ۱۳۲۱ هـ ص ۱۷۷-۱۷۸؛ بار، ۱۴۱۱ هـ ص ۶۳-۶۷).

مبحث پنجم - اسقاط جنین به دلیل ناقص الخلقه بودن جنین

۱- نظرات فقهای شیعه

مجرد ناقص الخلقه بودن جنین از نظر فقهای شیعه و اهل تسنن مجوزی برای سقط جنین نمی‌شود؛ ولی اگر در اثر بیماری‌های ارثی و مسری و ژن معیوب که باعث مبتلا شدن فرزندان به بیماری می‌شود و در نتیجه جنین فرزندان موجب حرج و مشقت برای مادر می‌شوند، و اگر تشخیص آن به وسیله متخصصان قطعی باشد، بیشتر فقهای حنفی، شافعی، حنبلی و اکثریت فقهای معاصر اهل تسنن و بعضی از فقهای معاصر شیعه سقط جنین قبل از ولوج روح را جایز دانسته‌اند. آیت الله نوری همدانی در مورد سقط جنین به خاطر ناقص الخلقه بودن، فتوای عدم جواز سقط را داده است^۱. مقام معظم رهبری فرموده‌اند: ناقص الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین حتی قبل از ولوج روح در آن محسوب نمی‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹). آیت الله سیستانی هم معتقد است این مسأله که جنین ناقص الخلقه است یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواهد ماند، به

1-www.noorihamedani.com

تنهایی مجوز سقط جنین نمی‌شود (حکیم، ۱۳۷۹، ص ۲۸۳-۲۸۴).

در مورد حکم سقط جنین در صورتی که زوجین دچار بیماری‌های ارثی و واگیر سخت باشند، سؤال‌هایی مطرح شده است که به شرح زیر است:

از مقام معظم رهبری سؤال شده که: بعضی از زوج‌ها، مبتلا به بیماری‌های خونی بوده، دارای ژن معیوب می‌باشند و در نتیجه ناقل بیماری به فرزندان خود هستند و احتمال این‌که این فرزندان ایشان مبتلا به بیماری‌های شدید باشند، بسیار زیاد است. چنین کودکانی از بدو تولد تا پایان عمر، دائماً در وضع مشقت‌باری به سر خواهند برد. مثلاً بیماران هموفیلی همواره ممکن است با کوچک‌ترین ضربه‌ای دچار خونریزی شدید منجر به فوت و فلج شوند. حال با توجه به این که تشخیص این بیماری در هفته‌های اول بارداری ممکن است، آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟ جواب: اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن چنین فرزندی موجب حرج می‌باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند؛ ولی بنابر احتیاط، دیه آن باید پرداخت شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰-۲۸۱).

۲- آرای علمای اهل سنت

در صورتی که پزشکان متخصص به طور دقیق و قطعی - نه بر اساس ظن و توهم - وجود بیماری‌های ارثی خطرناک را تشخیص دهند، و در نتیجه آن بیماری‌ها باعث مشقت فرزند و خانواده‌اش بشود، مشهور علمای حنفی، بعضی از فقهای شافعی و حنبلی، و ابن‌رشد از مالکیه قائل به مباح بودن سقط جنین قبل از دمیده شدن روح شده‌اند. از علمای معاصر اهل تسنن، شیخ یوسف قرضاوی، جاد الحق، خلیل میس، حبیب خوجه، عبدالله بسام، مصطفی از آن جمله‌اند (فتحیه عطوی، ۲۰۰۱، ص ۲۹۲-۲۹۶؛ عمر غانم، ۱۳۲۱ هـ، ص ۱۸۴-۱۸۶). مجمع فقهی وابسته به رابطه العالم الاسلامی هم در دوره دوازدهم سال ۱۹۹۵م سقط جنین را قبل از دمیده شدن روح، با سه شرط زیر مباح دانسته است:

- موافقت زن و شوهر، زیرا هر دو دارای حقوق و تکالیفی متعلق به سقط جنین

هستند.

- عدم متعرض شدن جان زن حامله به خطر شدیدتری.
- گواهی دادن دو پزشک عادل مبنی بر ضرورت سقط و این که اگر سقط انجام شود خطر سخت‌تری از خطر سقط متوجه زن حامله نمی‌شود.
بعضی از علمای شافعی قائل به جواز سقط جنین شده‌اند در صورتی که نزد پزشک ثابت شود که جنین دارای عیوب ارثی است، منوط به این که قبل از دمیده شدن روح باشد (شربینی، ۱۴۱۵ هـ.ج، ص ۱۲۹). بعضی از علمای حنبلی نیز قابل به جواز سقط شده‌اند در صورتی که در جنین بیماری‌های ارثی باشد، مشروط به این که سقط قبل از دمیده شدن روح باشد (مرداوی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۱). به نظر بعضی از علمای حنفی مذهب اگر نزد پزشک ثابت شود که در جنین عیوب و بیماری‌های ارثی هست، سقط جنین قبل از دمیدن روح جایز است (ابن‌عابدین، ۱۳۸۱ هـ.ج، ص ۳۹۰).

مبحث ششم - اسقاط جنین قبل از دمیدن روح در صورت ضرورت و

عسرو حرج

۱- نظرات فقهای شیعه

بعضی از فقها با وجود عسرو حرج سقط جنین را جایز می‌دانند، مانند مرحوم فاضل لنکرانی^۱. آیت الله سیستانی هم سقط جنین قبل از دمیدن روح را با عذر و ضرر غیرقابل تحمل جایز دانسته است (سیستانی، ۱۴۲۰ هـ.ج، ص ۲۵۰).

سازمان پزشکی قانونی تنها مرجع قانونی در ایران است که بر اساس فتاوی بعضی از فقها مانند مقام معظم رهبری در موارد ضرورت و عسرو حرج قبل از حلول روح در جنین، مجوز سقط درمانی را صادر می‌کند. در ماده واحده قانون سقط درمانی آمده است: «سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه

1- www.Lankarani.net

بودن موجب حرج مادر است، یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهارماه) با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسؤلیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود^۱. این ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دهم خرداد ماه ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

مقام معظم رهبری در پاسخ به استفتای مدیر عامل کانون هموفیلی ایران فرموده‌اند: «با این فرض که نگهداری و بزرگ کردن طفل بیمار مذکور موجب عسر و حرج و مشقت بیش از اندازه است، سقط جنین قبل از ولوج روح مانع ندارد، ولی بنابر احتیاط دیه آن باید پرداخت شود»^۲.

بنابر آنچه بیان شد، مجرد ناقص‌الخلقه بودن یا ابتلا به بیماری هموفیلی و غیره مجوز سقط جنین نمی‌شود؛ بلکه سقط تنها در صورتی جایز است که موجب عسر و حرج شود، به همین دلیل مقام معظم رهبری و دیگر مراجع، آن را به عسر و حرج مقید کردند.

۲- آرای اهل سنت

ابواسحاق مروزی از شافعیه قائل به جواز سقط در مدت چهل روز شده؛ زیرا اجازه داده است که زن حامله دارو برای انداختن نطفه مصرف کند (رملی، ۱۳۱۶هـ ج ۱، ص ۴۱۶). بعضی از علمای حنفی قائل به جواز سقط جنین قبل از دمیدن روح شده‌اند (ابن‌عابدین، ۱۳۱۶هـ ج ۲، ص ۱۷۶) علی بن موسی از فقهای حنفی نیز قائل به کراهت سقط قبل از نفخ روح شده است (همو، ص ۲۸۰) و بعضی از حنفیه قائل به مباح بودن سقط شده‌اند و گفته‌اند: «سقط بعد از بارداری مادامی که عضوی از آن آفریده نشده باشد، مباح است» (همو، ج ۱، ص ۴۱۷؛ ابن‌همام، ۱۳۱۹هـ ج ۲، ص ۴۹۵).

1- www.hoqouq.com

2- www.zendegimagazin.com (سایت سراسری کانون هموفیلی ایران)

حنبلی‌ها قائل به جواز سقط شده‌اند در صورتی که در اولین مرحله بارداری باشد (مرداوی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۶). ابن قدامه از حنبلی‌ها نیز گفته است: «اگر مضغه را سقط کند، و قابله‌های مورد اطمینان شهادت دهند که جنین صورت مخلوق پنهانی داشته، دیه آن یک غره (یک برده یا یک کنیز مرغوب) است؛ و اگر شهادت دهند که در ابتدا و آغاز خلقت آدمی است و شکل‌گیری آدمی در آن نمایان شده در این صورت دو وجه و نظر است:

وجه اول که صحیح‌تر است، می‌گوید هیچ دیه‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا به صورت شکل انسان در نیامده و مانند علقه است، و اصل برائت ذمه است، و به مجرد شک ذمه مشغول نمی‌شود.

وجه دوم قائل به دیه غره است، چون معتقد است که در آغاز تکوین آدمی است، البته اگر در صورت نطفه و علقه باشد، وجه دوم صحیح نیست» (ابن قدامه، ۱۴۰۴ هـ، ج ۱۲، ص ۷۴).

ابن رشد از مالکیه قائل به جواز سقط جنین قبل از دمیدن روح شده است (ابن رشد، ۱۳۹۵ هـ، ج ۴، ص ۳۳۵). ولی مشهور فقهای مالکیه قائل به تحریم سقط به طور مطلق شده‌اند، و بعضی از آن‌ها قائل به کراهت شده‌اند در صورتی که در دوره چهل روز باشد (دسوقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۶). اما در دیر از مالکیه گفته است: «بیرون انداختن منی که در رحم تکوین یافته، جایز نیست گرچه قبل از چهل روز باشد» (در دیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۷). بعضی از شافعیه قائل به جواز سقط جنین قبل از دمیدن روح در صورت وجود عذر شده‌اند (رملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۱۶).

یافته‌های پژوهش

بنابر آنچه در این مقاله از آرا و نظرات علمای خاصه و عامه مورد بررسی قرار گرفت، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- در صورتی که جان مادر بر اثر استمرار بارداری مورد تهدید قرار گیرد، به نظر مقام معظم رهبری سقط جنین قبل از دمیدن روح جایز است و بعد از آن

جایز نمی‌باشد. و به نظر آیت الله سیستانی اگر ادامه حاملگی ضرر غیرقابل تحمل و مشقت زیادی برای مادر داشته باشد، سقط قبل از حلول روح جایز است. آیت الله مکارم شیرازی سقط جنین را قبل از دمیدن روح در صورتی که ادامه بارداری خطر مهمی به طور قطع و یقین متوجه مادر کند، جایز دانسته است. مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی هم در صورتی که بارداری خوف خطر جانی برای مادر داشته باشد، سقط را جایز دانسته است. آیت الله نوری همدانی سقط را جایز نمی‌داند حتی در صورتی که درمان و معالجه زن حامله به سقط جنین بستگی داشته باشد، و تنها اگر جان مادر در خطر باشد مادر می‌تواند سقط کند ولی برای دیگران جایز نیست.

بعضی از علمای معاصر اهل تسنن معتقدند اگر سقط جنین بسیار ضروری باشد یا امیدی به زنده ماندن جنین نباشد، سقط جایز است، خواه قبل از چهار ماه باشد یا بعد از چهار ماه. بعضی دیگر از علمای عامه سقط جنین را جایز نمی‌دانند، هر چند نجات جان مادر بر آن متوقف شود. مانند ابن‌عابدین از علمای حنفی مذهب و ابن‌قدامه از علمای حنبلی.

۲- در صورتی که جان مادر و جنین هر دو، مورد تهدید قرار بگیرند، مقام معظم رهبری قائل به جواز سقط شده‌اند منوط به این‌که امر دایر باشد بین مرگ جنین به تنهایی و بین مرگ جنین و مادر، گرچه بعد از ولوج روح باشد. به نظر مرحوم فاضل لنکرانی اگر ادامه بارداری برای هر دو- مادر و جنین - خطر داشته باشد سقط جایز است. بعضی از علمای اهل تسنن در صورتی که سقط جنین تنها راه نجات مادر از مرگ حتمی باشد، و ادامه بارداری منجر به مرگ مادر و جنین شود، سقط را جایز می‌دانند.
گرچه بعد از دمیدن روح در جنین باشد.

۳- در صورتی که جنین نامشروع باشد، به نظر آیت الله سیستانی اگر بارداری برای دختر بسیار سخت و طاقت‌فرسا باشد، سقط قبل از حلول روح جایز است، اما به مجرد نامشروع بودن جنین بدون حرج جایز نمی‌باشد. به نظر مقام معظم

رهبری، سقط جنین که با زنا یا با وطیء به شبهه منعقد شده، جایز نمی‌باشد، و به نظر مرحوم فاضل لنکرانی و آیت الله همدانی هم جایز نمی‌باشد.

اکثریت مطلق علمای اهل تسنن قائل به عدم جواز سقط جنین نامشروع شده‌اند، بعضی از علمای شافعی جواز سقط جنین نامشروع را مشروط نموده‌اند به توبه کردن زن زناکار در صورتی که ضرر فاحشی بر ادامه بارداری مترتب شود، و بعضی از معاصران اهل تسنن از جمله قرضاوی و طنطاوی سقط جنین نامشروع را در صورتی که تجاوز به زن با اکراه و عنف باشد سقط جایز دانسته‌اند.

۴- سقط جنین به خاطر ناقص‌الخلقه بودن جنین و بیماری‌های ارثی و واگیر، به مجرد ناقص‌الخلقه بودن جنین، سقط از نظر مقام معظم رهبری جایز نیست، اما اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی باشد و نگهداشتن چنین فرزندی موجب حرج باشد، قبل از دمیدن روح جایز است. به نظر آیت الله نوری همدانی، آیت الله سیستانی و مرحوم فاضل لنکرانی سقط جنین به خاطر ناقص‌الخلقه بودن جایز نمی‌باشد. از دیدگاه علمای عامه - جز اکثریت علمای مالکی مذهب - در صورتی که پزشکان متخصص به طور قطع و یقین تشخیص بیماری‌های ارثی خطرناک دهند و نتیجه آن بیماری‌ها باعث مشقت برای فرزند و خانواده شود، سقط جایز است.

۵- گرچه فتاوی فقها در مسأله سقط جنین معمولاً همراه با ارائه مستندات عقلی و نقلی نیست، اما آیات و احادیثی وجود دارد که مبنای اجتهاد در این زمینه واقع می‌شود. همچنین توجه به قواعد فقهی مانند ارتکاب اخف ضررین، دفع افسد به فاسد و قاعده عسرو حرج نیز زمینه‌ساز صدور جواز سقط جنین در موارد خاص می‌گردد.

منابع و مأخذ

- ✓ ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد، *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، مصر، مطبعه مصطفی بابی الحلبي و اولاده، ۱۳۹۵ هـ چاپ چهارم
- ✓ ابن عابدین، محمد امین، *حاشیه ابن عابدین*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۹ هـ الطبعه الثانيه
- ✓ ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المغنی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ
- ✓ ابن همام حنفی، محمد بن عبدالواحد، *شرح فتح القدير*، قاهره، مطبعه مصطفی البابی، ۱۳۸۹ هـ
- ✓ اراکی، محمد علی، *استفتائات*، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۳
- ✓ بار، محمد، *الجنین المشوه والامراض الوراثیه*، بی جا، دارالقلم، ۱۴۱۱ هـ
- ✓ بوطی، محمد سعید، *تحديد النسل وقاة و علاج*، دمشق، مکتبه الفارابی، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م
- ✓ حجت، هادی، طلعتی، محمد هادی، *احکام پزشکیان*، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۵
- ✓ حر عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تصحیح عبدالرحیم الریانی الشیرازی، طهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ هـ
- ✓ حکیم، عبدالهادی محمد تقی، *فقه برای غرب نشینان مطابق با فتاوی آیت الله العظمی علی سیستانی*، ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی، قم، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی، ۱۳۷۹
- ✓ خامنه ای، سید علی، *رساله اجوبه الاستفتاءات*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵، چاپ سی و یکم
- ✓ دردیر، احمد، *الشرح الكبير (منح القدير علی مختصر خلیل)*، مصر، مطبعه عیسی البابی، بی تا

- ✓ دسوقی، شمس‌الدین محمدعرفه، *حاشیه‌الدسوقی علی الشرح الكبير*، بیروت، داراحیاءالکتب العربیه، بی‌تا
- ✓ رملى انصارى، شمس‌الدین محمدبن ابى العباس، *نهاية المحتاج*، قاهره، مطبعه مصطفى الحلبي، ۱۳۸۶هـ
- ✓ سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، *سنن ابى داود*، مصر، مطبعه منصور البابی، ۱۹۸۳م
- ✓ سیستانی، سیدعلی حسینی، *منتخب توضیح المسائل*، قم، انتشارات دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۴۲۰هـ چاپ دوم
- ✓ سیوری، مقدادبن عبدالله، *کنزالعرفان فی فقه القرآن*، طهران، المكتبة الرضویه لاحیاءالآثار الجعفریه، ۱۳۸۵هـ
- ✓ شریبى، محمد، *معنى المحتاج الى معرفه معانى الفاظ المنهاج*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ
- ✓ شلتوت، محمود، *الفتاوى الاسلامیه*، قاهره، ۱۹۶۲م
- ✓ طوسى، ابوجعفرمحمدبن الحسن، *تهذیب الاحکام*، تحقیق السیدحسن الموسوی الخرسان، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲هـ/۱۹۶۲م
- ✓ عباس شومان، *إجهاض الحمل و ما یترتب علیه من احکام فی الشریعه*، قاهره، الدارالثقافیه للنشر، ۱۴۱۹هـ
- ✓ عسقلانی بن حجر، شهاب‌الدین احمدبن علی، *بلوغ المرام*، مصر، دارالحديث، ۱۹۷۹م
- ✓ عمرمحمدغانم، *احکام الجنین فی الفقه الاسلامی*، بی‌جا، دارالاندلس، ۱۳۲۱هـ
- ✓ فتحیه عطوی، مصطفى، *الاجهاض بین الشرع و القانون و الطب*، بیروت، مکتبه صادر، ۲۰۰۱م
- ✓ قرضای، یوسف، *فتاوی معاصره*، جده، دارالوفاء، ۱۴۱۵هـ چاپ دوم

- ✓ کلینی رازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الفروع من الکافی*، طهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲
- ✓ گلپایگانی، محمدرضا، *ارشاد السائل (استفتاءات عربی)*، قم، بی تا
- ✓ مجله الشریعه، «گزارش کنفرانس رباط (مؤتمر الرباط عن الاسلام و تنظیم الاسره، ۱۹۷۴)»، ش ۵۴، کویت، جامعه الكويت
- ✓ مرداوی، علاءالدین ابوالحسن، *الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف*، قاهره، مطبعه السنه المحمديه، ۱۳۷۵هـ
- ✓ *الموسوعه الفقهيہ الكويتیه*، انتشارات وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، کویت، ۱۹۸۶م/۱۴۰۷هـ، چاپ دوم
- ✓ هادی، حجت و محمد هادی، *طلعت احکام پزشکان*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶
- ✓ وحیدی، محمد، *احکام بانوان*، قم، واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳

پایگاه‌های اینترنتی

www.lankarani.net
www.makaremshirazi.com
www.noorihamedani.com
www.hoqouq.com
www.zendegimagazin.com